

گونه شناسی منابع بقیع پژوهی

عمار ابوطالبی^۱

چکیده

حرم بقیع، به واسطه دفن امامان شیعه علیهم السلام، بزرگان صحابه، چهره های برجسته ای از علمای مذاهب اسلامی و مشاهیر جهان اسلام، همواره مورد احترام همه مسلمانان بوده و هست. هر چند در دوره های گوناگون، کتاب هایی درباره بقیع به رشته تحریر درآمده؛ اما هنوز زوایای بسیاری از بقیع مبهم و مغفول مانده که نیازمند پژوهش است. یکی از مهم ترین دغدغه های پژوهشگران، شناسایی منابع مرتبط با موضوع پژوهش است. این مقاله بر آن است تا با گونه شناسی منابع بقیع پژوهی، راهنمای محققان مزارپژوه باشد. این نوشتار نشان خواهد داد برای پژوهش علمی درباره بقیع، غیر از پژوهش های معاصر، به گونه های مختلفی از منابع نیازمند هستیم که عبارتند از: منابع تاریخ مدینه، منابع شخصیت شناسی، سفرنامه ها، منابع تاریخی (تاریخ اسلام و تاریخ محلی)، منابع جغرافیایی، منابع فقهی، کلامی و حدیثی و اسناد دوره عثمانی و قاجاری.

کلید واژه ها:

بقیع، مدینه، آثار و منابع، مزار پژوهی.

۱. (ab.ammar1376@chmail.ir)

۱. استاد یار گروه شیعه شناسی دانشگاه ادیان و مذاهب

بقیع یا بقیع الغرقد، قدیمی‌ترین مزاری است که از سال‌های آغازین هجرت، محل دفن مسلمانان بوده است. اهمیت این مزار که مدفن چهار امام شیعیان، صحابه و شخصیت‌های برجسته مسلمانان است، برکسی پوشیده نیست. بنابراین پژوهش درباره بقیع، از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. از این رو در جهان اسلام، مقالات و کتاب‌های متعددی توسط شیعیان و اهل سنت، پیرامون بقیع نگاشته شده است. واکاوی زوایای مختلف بقیع، نیازمند تتبع فراوان در منابعی است که به حسب ظاهر با بقیع ارتباطی ندارند. از این رو به نظر می‌رسد کمبود منابع مرتبط و عدم آشنایی با سایر منابع قابل استفاده در این حوزه، از موانع ارتقای کمی و کیفی پژوهش پیرامون بقیع است.

این مقاله در تلاش است گونه‌های مختلفی از منابع قابل اتکا برای پژوهش در خصوص اماکنی مانند بقیع را در هفت محور تاریخ مدینه، منابع شخصیت‌شناسی، سفرنامه‌ها، منابع تاریخی و جغرافیایی، منابع فقهی، کلامی و حدیثی، اسناد دوره عثمانی و قاجاری و منابع معاصر معرفی و بررسی نماید.

۱. تاریخ مدینه

این دسته از منابع، شامل کتاب‌هایی است که با موضوع تاریخ مدینه نوشته شده است. این کتاب‌ها علاوه بر تاریخ بقیع، در مواردی توصیف‌های خوبی نیز از آن ارائه کرده‌اند. قدیمی‌ترین منبعی که درباره بقیع نگاشته شده اخبار المدینه ابن زباله (د. ۱۹۹ ق.) است که مرجع کتاب‌های بعدی قرار گرفته و هرچند متأسفانه امروزه اثری از آن نیست؛ اما در سال‌های اخیر تلاش شده با استفاده از مطالبی که سایر منابع از آن نقل کرده‌اند، بازسازی شود. (ابن زباله، ۲۰۰۳) اندکی پس از او اخبار المدینه ابن شبیه

نمیری (د. ۲۶۲ ق. ۰) از مهم‌ترین منابع تاریخ مدینه است که تقریباً همه منابع بعدی، بدان استناد کرده‌اند. با توجه به تاریخ حیات نویسنده، مطالب او بسیار ارزنده و مهم است. (ابن شبه نمیری، ۱۴۱۰) سومین کتاب مرجع در این حوزه، *الدرة الثمينة فی تاریخ المدینه* نگاشته ابن نجار (د. ۶۴۳ ق. ۰) است که به نوعی منبعی برای آثار بعدی بوده است. (ابن نجار، ۲۰۰۶)

حدود یک قرن پس از ابن نجار، مطری (د. ۷۴۱ ق. ۰) *التعریف بما آنست دارالهجرة* را تألیف کرد که بیش از کتاب ابن نجار مورد استناد و استفاده واقع شده است. (مطری، ۱۴۲۶) پنجمین منبع مهم پیرامون تاریخ مدینه که به موضوع بقیع نیز پرداخته، *وفاء الوفا سمهودی* است. وی بسیار مفصل‌تر از دیگران به این موضوع پرداخته و گزارش‌های درخور توجهی نیز ارائه کرده است. (سمهودی، ۲۰۰۱)

نکته حائز اهمیت در خصوص این منابع در درجه اول، دسترسی آنها به برخی منابعی است که ما بدان‌ها دسترسی نداریم و در درجه دوم، گزارش و توصیف‌هایی است که هرکدام از عصر خویش و یا کمی قبل از آن، ارائه کرده و در شکل‌گیری تصویر بقیع در قرون مختلف و نیز درک نحوه تعامل مسلمانان با بقیع مؤثر است؛ همچنان‌که تطور عمرانی و تمدنی بقیع را نیز از خلال همین منابع می‌توان به دست آورد.

۲. منابع تاریخی و جغرافیایی

مهم‌ترین منابع برای موضوعاتی با رویکرد تاریخی، کتاب‌های تاریخی هستند. این منابع، اطلاعات خوبی در ارتباط با بقیع و برخی وقایع مرتبط با آن دارند؛ مانند وقایع مرتبط با دفن عثمان در حش کوكب (ابن قتیبه، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۶۵) یا توسعه بقیع در زمان بنی‌امیه (طبری، ۱۹۶۷، ج ۴، ص ۴۱۲) و ... که باید آنها را در این دسته از منابع پی‌جویی کرد.

تاریخ‌های محلی یعنی کتاب‌هایی که درباره تاریخ شهر یا منطقه خاصی نگاشته شده‌اند نیز اطلاعاتی در زمینه بقیع دارند. مثلاً برخی کارکردهای فرهنگی یا تمدنی بقیع با نام برخی چهره‌های سرشناس جهان اسلام پیوند خورده است؛ به طوری که بسیاری از ایشان نه تنها اهل حجاز نیستند؛ بلکه حتی در مدینه نیز ساکن نبوده‌اند و شناسایی ایشان، مستلزم مراجعه به این دسته از منابع است. به عنوان مثال برخی افرادی که پیکرشان به مدینه منتقل شده، در کتاب تاریخ بخارا و کاشغرو خوقند (شمس بخارائی، ۱۳۷۷، صص ۳۳-۳۴) و وقف شاه طبرستان برای بقیع در کتاب تاریخ طبرستان آمده است. (ابن اسفندیار، ۱۳۶۶، ص ۱۲۰)

منابع جغرافیایی، اطلاعاتی درباره اماکن مختلف جغرافیایی در اختیار خوانندگان قرار می‌دهند. برخی از این منابع درباره بقیع یا اماکن مرتبط با آن مانند حُش کُکب سخن گفته‌اند. (حموی، ۱۹۹۵، ج ۲، ص ۲۶۲) این دسته از منابع، در شناسایی اماکنی که به نوعی کارکرد فرهنگی بقیع را بیان می‌کنند نیز مفید هستند؛ به عنوان نمونه یکی از کارکردهای فرهنگی بقیع، انتقال جنازه به مدینه و دفن آن در بقیع است. در منابع تاریخی، اسامی اماکنی به عنوان مبدأ انتقال جنازه ذکر شده که یا امروزه اثری از آنها نیست یا اینکه نسبت آن با مدینه، برای ما روشن نیست. منابع جغرافیایی در حل این دو مشکل نیز به محققان کمک می‌کنند. برخی از این منابع عبارت‌اند از الاستبصار، (الاستبصار فی عجائب الأمصار، بی تا) معجم البلدان، (حموی، ۱۹۹۵) معجم معالم الحجاز (البلادی، ۱۴۰۱) و ...

۳. سفرنامه‌ها

یکی از عادت‌های مسلمانان، نگارش سفرنامه یا طومار حج بوده که از آغاز تا پایان سفر و برخی حوادث طول مسیر را گزارش می‌کردند. از دیگر ویژگی‌های این

نوشته‌ها، توصیف اماکن مهم شهرهای مسیر به‌ویژه حرمین شریفین و نگارش جزئیات حرم‌های مطهر و مقابر معروف جهان اسلام است. نویسندگان این آثار، معمولاً به آداب و رسوم شهرها در حوزه‌های گوناگون نیز پرداخته و به نوعی روایتگر تاریخ اجتماعی شهرهای مسیر نیز هستند. گزارش همه موارد پیش‌گفته در حرمین شریفین، از کمیت و کیفیت بیشتری نسبت به دیگر شهرها برخوردار بوده و اطلاعات موجود در این دسته از منابع، در کنار گزاره‌های تاریخی، مکمل دانسته‌های ما درباره حرمین شریفین است، به‌ویژه آن‌که برخی توصیف‌های تمدنی یا گزارش‌های فرهنگی، تنها در این منابع آمده است.

سفرنامه‌نویسی در جهان اسلام از قرن سوم و با سفرنامه ابن فضلان به آسیای مرکزی آغاز شد. (ابن فضلان، ۲۰۰۳) سفرنامه مناسک ابن مازه (د. ۵۶۶ ق.)، فقیه حنفی و فارسی‌زبان در سال ۵۵۲ ق. شاید قدیمی‌ترین سفرنامه حج باشد. (ابن مازه، ۱۳۹۲) سفرنامه‌نویسی در میان اهل سنت، بسیار بیشتر از شیعیان رواج داشته و آثار پرشماری در این حوزه از خویش به یادگار گذاشته‌اند. مانند: سفرنامه ابن جبیر (د. ۵۸۰ ق.) (ابن جبیر، ۲۰۰۸) سفرنامه عبدری (تاریخ سفر ۶۸۸ ق.) (عبدری، ۱۴۱۹) سفرنامه ابن بطوطه (د. ۷۷۹ ق.) (ابن بطوطه، ۱۴۱۷) سفرنامه عیاشی (تاریخ سفر ۱۰۷۲ ق.) (عیاشی، ۲۰۰۶) سفرنامه نابلسی (د. ۱۱۴۳ ق.) (نابلسی، ۱۹۹۸) و ... هرچند سفرنامه ابن حوقل (د. پس از ۳۶۷ ق.) (ابن حوقل، بی‌تا) و ناصر خسرو (د. ۴۸۱ ق.) (ناصر خسرو، بی‌تا) جزو قدیمی‌ترین سفرنامه‌های شیعیان هستند اما در مجموع، شیعیان کمتر از اهل سنت به این مهم پرداخته‌اند. ایرانیان از قدیم به نگارش سفرنامه اهتمام داشتند؛ اما نگارش سفرنامه حج، تقریباً از قرن سیزده در بین ایشان رواج و توسعه یافته مانند: تذکرة الطریق (کرناتکی، ۱۳۸۹)، سفرنامه بروجردی (بروجردی، ۱۳۸۹)، سفرنامه مکه حسام السلطنه (حسام السلطنه، ۱۳۷۴)، سفرنامه مکه میرزا محمد حسین

فراهانی (فراهانی، ۱۳۸۹) و ... رسول جعفریان بیش از پنجاه سفرنامه حج صفوی تا قاجاری را در مجموعه‌ای ده جلدی با همین نام، جمع‌آوری نموده است. با توجه به گستردگی اطلاعات موجود در سفرنامه‌ها و آگاهی‌های فراوانی که آنها در اختیار ما قرار می‌دهند، طبیعی است که محققان برای عینی و ملموس کردن کارکردهای مختلف بقیع، از آنها استفاده کنند. سفرنامه‌های اهل سنت در مورد بقعه عثمان (صبری پاشا، بی تا، ج ۴-۳، ص ۹۹۸) و سفرنامه‌های شیعیان درباره بقعه اهل بیت علیهم‌السلام و مسجد فاطمه علیها‌السلام (بیت الحزن) آگاهی‌های فراوانی را در اختیار ما قرار می‌دهند. (حسام السلطنه، ۱۳۷۴، ص ۱۵۲).

۴. منابع شخصیت شناسی

مقصود از منابع شخصیت شناسی، کتاب‌های تراجم، رجال، طبقات و انساب است. این دسته از منابع به طور کلی حاوی اسامی راویان احادیث و شخصیت‌های برجسته و مطرح دینی و اجتماعی مذاهب مختلف هستند.

منابع رجالی بیشتر به توثیق و تضعیف افراد پرداخته‌اند؛ هر چند در مواردی، برخی اطلاعات جزئی پیرامون آنها نیز ارائه داده‌اند. مانند: رجال کشی (کشی، ۱۴۰۴) یا معجم رجال الحدیث (خویی، ۱۳۷۲). در کتاب‌های تراجم به طور مفصل به تاریخ زندگانی و شخصیت افراد پرداخته شده و اطلاعات به نسبت کاملی در آنها وجود دارد. مانند: اسد الغابة (ابن اثیر، ۱۴۰۹)، الاستیعاب فی معرفة الاصحاب (ابن عبد البر، ۱۴۱۲). اما تعیین طبقه‌ای که این افراد در آن می‌زیستند، بر عهده کتاب‌های طبقات است. مانند: الطبقات الکبری (ابن سعد، ۱۴۱۰). برای آگاهی از نسب افراد و شناسایی پدر، اجداد یا برادر و فرزندان ایشان و یا تاریخ وفات یا محل دفن آنها باید به منابع نسب شناسی مراجعه کرد. مانند: نسب قریش (مصعب بن عبدالله، ۱۹۹۹) و زهرة المقول

یا تحفة الازهار و زلال الانهار فی نسب ابناء ائمة الاطهار علیهم السلام (الشدقمی الحسینی، ۱۴۲۳).

بیان برخی کارکردهای تاریخی، فرهنگی یا تمدنی بقیع با اسامی چهره‌هایی از مشاهیر اسلامی پیوند خورده که درک بهترین کارکردها، محققان را مجبور به مراجعه و استفاده از منابع شخصیت‌شناسی می‌کند. به عنوان نمونه انتقال جنازه از خارج مدینه به این شهر جهت دفن در بقیع، یکی از کارکردهای فرهنگی آن است. برای دستیابی به این افراد، باید به این دسته از منابع مراجعه کرد. از سوی دیگر برای درک بهتر اهمیت انتقال پیکر برخی افراد به مدینه، ابتدا باید گزارش مختصری پیرامون شخصیت و جایگاه آنها ارائه کرد که همگی، متکی به منابع شخصیت‌شناسی است. نمونه دیگر به کارکردهای تمدنی بقیع مرتبط است. بنای ساختمان و گنبد بر روی قبور و اهتمام به حفظ و مرمت آنها، یکی از این کارکردهاست. هر چند گزارش این نوع مطالب معمولاً بر عهده منابع تاریخی است؛ اما در مواردی این منابع شخصیت‌شناسی هستند که برای اولین بار به گزارش این موارد پرداخته‌اند. به عنوان نمونه بخشی از اطلاعات درباره سازندگان یا تعمیرکنندگان بقعه‌های بقیع (ضامن بن شدقم، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۴۴۳) یا توصیف داخل آنها، توسط برخی کتاب‌های انساب نقل شده است. (الشدقمی الحسینی، ۱۴۲۳، ص ۱۰۸).

۵. منابع فقهی، کلامی و حدیثی

کتاب‌های فقهی فریقین، در بردارنده نظرات فقهی بزرگان مذاهب اسلامی است. در میان مسلمانان، آداب و رسوم در ارتباط با اموات و قبرستان‌ها وجود دارد که طبیعی است برخی از آنها در بقیع نیز نمود داشته؛ مانند: قرائت قرآن بر مزار اموات یا گذاشتن گل بر روی قبور و از سوی دیگر، شرع مقدس پیرامون برخی از این امور نظر دارد؛ برخی را تأیید و بر آن تأکید کرده؛ مانند قرائت قرآن و احیاناً برخی را رد و نهی

کرده؛ مانند نیاحه! و در برخی موارد قائل به تفصیل است؛ مانند برداشتن تربت مزار به نیت تبرک.

برای اطلاع از نظر فقهی مذاهب اسلامی در این موضوعات و در مواردی برای کشف سابقه برخی عادات در زیارت قبور، نیازمند مراجعه به منابع فقهی هستیم. به عنوان نمونه منابع فقهی شیعی برداشت تربت مزار ائمه بقیع علیهم السلام را جایز نمی دانند (گلپایگانی، بی تا، ج ۴، ص ۲۷۸)

در آثار کلامی نیز، مطالبی مرتبط با بقیع وجود دارد. به عنوان نمونه بحث «شَدَّ رحال برای زیارت» که از موضوعات پرچالش در حوزه زیارت است، در منابع کلامی مورد بحث و بررسی واقع شده است. (سبکی، ۱۴۱۹)

از سوی دیگر، گاهی برخی مطالب تاریخی بقیع، در منابع کلامی آمده؛ مانند: جریان ساخت گنبد‌های بقیع که عبدالجلیل قزوینی در *النقض*، آنها را به خوبی توضیح داده است. (رازی قزوینی، ۱۳۵۸، ص ۸۳، ص ۲۱۹) یا جریان ساخت ضریح ائمه بقیع علیهم السلام که در کتاب *کشف الارتیاب* به طور مفصل نقل شده است. (امین، بی تا، صص ۳۲۵-۳۲۴) هر چند برخی از این مطالب در منابع تاریخی نیز ذکر شده؛ اما در مواردی، بهترین و کامل ترین گزارش ها در یک کتاب کلامی آمده است؛ مانند جریان ساخت گنبد‌های بقیع در *نقض قزوینی* و ماجرای انتقال ضریح از ایران به مدینه در *کشف الارتیاب!* در مواردی، برخی کارکردهای فرهنگی بقیع مانند انتقال جنازه به مدینه را نیز در این دسته از منابع می توان پی جویی کرد. (امینی، ۱۴۱۶، ج ۵، ص ۱۰۴، ص ۱۱۶)

مطالب مرتبط با فضایل بقیع (نوری، بی تا، ج ۲، ص ۳۰۹) یا برخی روایات درباره چگونگی تدفین اموات (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۹، ص ۲۷) یا برخی اطلاعات مرتبط با بقیع، مانند اعمال مسجد فاطمه علیها السلام (بیت الاحزان) نیز در منابع حدیثی آمده است (شیخ

صدوق، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۵۷۷.

۶. اسناد دوره عثمانی و قاجاری

اسناد عثمانی که بیشتر آنها در ترکیه نگهداری می‌شود، حاوی مکاتبات اداری مدینه با پایتخت عثمانی و یا مکاتبات ادارات مدینه با یکدیگر است که بیشتر متعلق به اواخر قرن سیزده و نیمه اول قرن چهارده است. مکاتبات تولید حرم و استاندار مدینه یا برخی گزارش‌های ارسالی آنها برای پایتخت عثمانی، حاوی اطلاعات ارزشمندی است که مکمل دانسته‌های بقیع پژوهان است. به عنوان نمونه برخی اطلاعات تمدنی بقیع مانند اینکه شخصی به عنوان مسئول یا بزرگ قبرکن‌های بقیع فعالیت داشته (مرکز بحوث و دراسات المدینة المنورة، ۱۴۳۴، ج ۳، ص ۴۰) یا رایگان بودن دفن در بقیع، از این اسناد استفاده می‌شود. از سوی دیگر از میان این اسناد می‌توان جایگاه اجتماعی برخی شخصیت‌های مرتبط با بقیع را نیز به دست آورد. به عنوان نمونه اینکه متولی بقعه اهل بیت علیهم‌السلام از امامان جماعت حرم نبوی و از خطیبان آن بوده، از این اسناد به دست می‌آید (مرکز بحوث و دراسات المدینة المنورة، ۱۴۲۲، ج ۲، ص ۱۳).

اسناد قاجاری نیز که در آرشیو ملی ایران و آرشیو اسناد وزارت امور خارجه نگهداری می‌شود، حاوی مکاتبات اداری حکومت قاجاری با عثمانی‌هاست که عمده آنها متعلق به اواخر قرن سیزده و نیمه اول قرن چهارده است. بخشی از این اسناد، مرتبط با بقیع است که به دو قسمت قبل از تخریب و پس از تخریب، تقسیم می‌شود. درباره قبل از تخریب، اسنادی مربوط به مرمت و بازسازی بقیع، پرداخت حقوق نگهبانان بقیع، پرداخت هزینه روشنایی بقیع («آرشیو اسناد پژوهشکده حج و زیارت»، بی‌تا، ش ۵۰۰، Haj.OA.112) شناسایی شده است. درباره تخریب بقیع و پس از آن نیز بیش از ۵۰۰ برگ سند که ارتباط مستقیم با بقیع دارد، شناسایی شده است؛ مانند: درخواست

دولت ایران از سرکنسول جده برای مذاکره با آل سعود، جهت جلوگیری از تخریب گنبد پیامبر ﷺ («آرشیواسناد پژوهشکده حج و زیارت»، بی تا، ش. Haj.OA. ۳۱۲۴) یا اسناد مرتبط با ساخت، انتقال و نصب ضریح فولادی حرم مطهر ائمه بقیع ﷺ در دوران مظفرالدین شاه قاجار. گفتنی است این اسناد به کوشش علی احمدی در دو مجلد، توسط پژوهشکده حج و زیارت، به چاپ رسیده است.

۷. منابع معاصر

در جهان اسلام مقالات و کتاب‌های متعددی درباره بقیع نگاشته شده که هرکدام از یک منظر، درباره بقیع قلم‌فرسایی کرده‌اند و قطعاً بقیع پژوهان از مراجعه به آنها، مستغنی نخواهند بود. این دسته از منابع در قالب تک‌نگاری، مقالات علمی ترویجی، مقالات علمی پژوهشی، مقالات دانشنامه‌ای و پایان‌نامه‌ها، قابل دسته‌بندی هستند (نصراصفهانی، ۱۴۰۲).

برخی از این کتاب‌ها یا مقالات علمی پژوهشی، روشمند و بسیار قابل استفاده هستند؛ اما در مجموع کمیت و دربرخی موارد، کیفیت برخی آثار معاصر بقیع پژوهی، متناسب با جایگاه و مکان بقیع نیست. با وجود تلاش مشکور نویسندگان آثار مرتبط با بقیع، نکاتی در برخی از آنها وجود دارد که دانستن آنها خالی از لطف نیست: یک- نداشتن سیر تاریخی در نگارش مطالب؛ به عنوان مثال: وقتی از ساخت گنبد اهل بیت ﷺ سخن به میان آمده، وضعیت آن در دوره‌های مختلف، ذکر نشده است.

دو- پرداختن مفصل به موضوعاتی خارج از بقیع؛ به عنوان نمونه: ارائه توضیحات مفصل و طولانی درباره شخصیت‌های مدفون در بقیع یا نقد نظرات وهابیت در حوزه زیارت و بنای برقبور.

سه- عدم استفاده از منابع دست اول یا عدم ارجاع به آنها؛ در موارد محدود استفاده از منابع دست اول، تنها به برخی منابع معروف اکتفا شده؛ به گونه‌ای که مثلاً کتاب ابن نجار و مطری، کمتر مورد استفاده قرار گرفته است.

چهار- عدم دسترسی به برخی منابع مهم و دست اول مرتبط با مدینه منوره. به نظر می‌رسد نویسندگان این آثار به منابع مرتبط با مدینه دسترسی نداشته یا اینکه با آنها آشنا نبوده‌اند لذا در کتاب‌های ایشان، کمتر به این منابع توجه شده است. البته برخی منابع مانند الروضة الفردوسیه، در سال‌های اخیر تصحیح و چاپ شده‌اند.

پنج- نبود عمق کافی در مباحث ارائه شده؛ هر چند برخی از این آثار به بعضی کارکردهای بقیع اشاره کرده‌اند؛ اما به هر دلیل، مباحث آنها عمیق و ریشه‌ای نیست. به عنوان نمونه برخی از این آثار به وجود مقابر خانوادگی در بقیع اشاره و از مقبره بنی هاشم و بنی امیه در قرن اول به عنوان دو نمونه یاد کرده‌اند؛ اما این موضوع را در قرن‌های بعد پی‌جویی نکرده‌اند.

شش- عدم تبیین کارکردهای مختلف بقیع یا ارائه برخی از آنها به صورت خیلی مختصر؛ این آثار، به جهت شناساندن بقیع نگاشته شده‌اند و رویکرد اصلی آنها، معرفی کارکردهای بقیع نبوده است؛ لذا به این حوزه یا نپرداخته‌اند یا اینکه برخی مظاهر بسیار دم‌دستی و شایع آن را به جهت معرفی بقیع، آن‌هم به صورت مختصر، توضیح داده‌اند. به عنوان مثال: در حوزه فرهنگی، عموم این آثار از مدفونان بقیع سخن گفته‌اند؛ اما هیچ‌کدام به جنبه‌های فرهنگی آن توجه نکرده و فقط اسامی برخی مدفونان را ذکر کرده‌اند یا در حوزه تمدنی، از قبه‌های بقیع سخن گفته شده اما نه به عنوان یک موضوع تمدنی.

هفت- ارائه اطلاعات و کلیاتی تکراری و مشابه: بسیاری از این آثار، از بیان

جزئیاتی که تنها با مطالعات موشکافانه قابل دستیابی است، غفلت کرده‌اند. مثلاً بحث انتقال جنازه به مدینه، موضوعی است که با عمق بخشیدن به مطالعات درباره بقیع و موشکافی، قابل دستیابی است؛ اما اینکه قبور اهل بیت علیهم‌السلام گنبد و ساختمان مرتفعی داشته، بسیار دم‌دستی و تکراری است؛ هرچند برخی مطالب درباره همین گنبد نیز تنها با موشکافی و عمق بخشی به مطالعات به دست می‌آید؛ مانند سازندگان و تعمیرکنندگان این بقعه در طول تاریخ.

جمع بندی

در سال‌های اخیر، تحقیقات ارزشمندی با موضوع بقیع صورت گرفته که دستاوردهای قابل توجهی در پی داشته و محققان مزارپژوه از آنها بی‌نیاز نیستند؛ اما تکمیل و ادامه این مسیر، دستیابی به نکات جدید و روشن کردن برخی نقاط تاریک و مبهم در این خصوص، بدون پژوهش عمیق و مراجعه به منابع مختلف و دست اول، مقدور نخواهد بود. منابعی که شاید در نگاه اول، ارتباط مستقیمی با مزارپژوهی ندارند اما بیشترین و ناب‌ترین اطلاعات را در اختیار پژوهشگران قرار می‌دهند. بنابراین انجام پژوهش‌های بنیادین در خصوص بقیع، بدون مراجعه به طیف متنوعی از منابع دست اول و اصیل، دست یافتنی نخواهد بود.

منابع

۱. آرشیواسناد پژوهشکده حج و زیارت.
۲. ابن اثیر، علی بن محمد. (۱۴۰۹). *أسد الغابة فی معرفة الصحابة*. دارالفکر.
۳. ابن اسفندیار، محمد بن حسن. (۱۳۶۶). *تاریخ طبرستان*. (محقق: عباس اقبال آشتیانی). پدیده خاور.
۴. ابن بطوطه، محمد بن عبد الله. (۱۴۱۷). *تحفة النظار فی غرائب الأمصار و عجائب الأسفار*. (مصحح: عبدالهادی التازی). مطبوعات اکاديمية المملكة المغربية.

٥. ابن حوقل، محمد بن حوقل. (بى تا). صورة الأرض (ج ١-٢). دار صادر (افست ليدن).
٦. ابن جبير، محمد بن احمد. (٢٠٠٨). تذكرة بالأخبار عن اتفاقات الأسفار (ج ١-١). المؤسسة العربية للدراسات والنشر- دار السويدى.
٧. ابن زباله، محمد بن الحسن. (٢٠٠٣). اخبار المدينة. (محقق: صلاح عبدالعزيز زين السلامه) (ج ١-١). مركز بحوث ودراسات المدينة المنوره.
٨. ابن سعد، محمد بن سعد. (١٤١٥). الطبقات الكبرى. دار الكتب العلمية.
٩. ابن شبة نميرى، عمر بن شبة. (١٤١٥). تاريخ المدينة المنوره. (مصصح: فهم محمد شلتوت) (ج ١-٤). دار الفكر.
١٥. ابن عبد البر، يوسف بن عبد الله. (١٤١٢). الاستيعاب فى معرفة الأصحاب. دار الجيل.
١١. ابن فضالان، احمد. (٢٠٠٣). رحلة ابن فضالان الى بلاد الترك والروس والصفالبة. (محقق: شاكرا لعيسى). دار السويدى للنشر والتوزيع.
١٢. ابن قتيبه، عبد الله بن مسلم. (١٤١٥). الإمامة والسياسة. (محقق: على شيرى). دار الأضواء.
١٣. ابن مازه، محمد بن عمر. (١٣٩٢). لطائف الاذكار. (مصصح: رسول جعفریان). نشر علم.
١٤. ابن نجار، محمد بن محمود بن الحسن. (٢٠٠٦). الدررة الثمينة فى اخبار المدينة. (صلاح الدين بن عباس شكر، مصصح). مركز بحوث ودراسات المدينة المنوره.
١٥. الاستبصار فى عجائب الأمصار. (بى تا) (ج ١-١). وزارة الثقافة والأعلام، دار الشؤون الثقافية العامة - آفاق عربية.
١٦. امين، محسن. (بى تا). كشف الارتباب فى اتباع محمد بن عبد الوهاب (ج ١-١). دار الكتب الاسلامى.
١٧. امينى، عبد الحسين. (١٤١٦). الغدير فى الكتاب و السنة و الأدب. مركز الغدير للدراسات الإسلامية.
١٨. ايوب صبرى پاشا. (بى تا). مرآت الحرمين. بحرية.
١٩. بروجردى، محمد على بن محمد رضى. (١٣٨٩). بزم غريب. نشر علم.
٢٥. البلادى، عاتق بن غيث. (١٤٥١). معجم معالم الحجاز. دار مكة للنشر والتوزيع.
٢١. حسام السلطنة. (١٣٧٤). سفرنامه مکه. (رسول جعفریان). نشر مشعر.
٢٢. حموى، ياقوت بن عبد الله. (١٩٩٥). معجم البلدان. دار صادر.

٢٣. خويى، ابوالقاسم. (١٣٧٢). معجم رجال الحديث و تفصيل طبقات الرواة (ج ١-٢٤). مركز نشر الثقافة الإسلامية فى العالم.
٢٤. رازى قزوینى. (١٣٥٨). نقض معروف به بعض مثالب النواصب فى نقض (بعض فضایح الروافض) (ج ١-١). انجمن آثار ملی.
٢٥. سبکی، على بن عبدالکافی. (١٤١٩). شفاء السقام فى زیارة خیر الانام. (محقق: سید محمد رضا حسینی جلالی). مشعر.
٢٦. سمهودی، نورالدین على بن عبدالله. (٢٠٠١). وفاء الوفا باخبار دار المصطفى. (محقق: قاسم السامرائی) (ج ١-٥). مؤسسة الفرقان للتراث الإسلامی.
٢٧. الشدقمی الحسینی، زین الدین بن على بن الحسن النقیب. (١٤٢٣). زهرة المقول فى نسب ثانى فرعى الرسول. (سید مهدى رجائى، محقق). کتابخانه عمومى حضرت آیت الله العظمى مرعشى نجفى رحمته الله.
٢٨. شمس بخارائى. (١٣٧٧). تاریخ بخارا، خوقند و کاشغر (ج ١-١). مرکز پژوهشى میراث مکتوب.
٢٩. شیخ صدوق. (١٣٦٣). من لایحضره الفقیه (ج ١-٤). جماعة المدرسین فى الحوزة العلمیة بقم، مؤسسة النشر الإسلامی.
٣٠. ضامن بن شدقم. (١٣٧٨). تحفة الأزهار و زلال الأنهار فى نسب ابناء الأئمة الأطهار علیهم صلوات الملك الغفار (ج ١-٢). کتابخانه تخصصی تاریخ اسلام و ایران.
٣١. طبرى، محمد بن جریر. (١٩٦٧). تاریخ الأمم و الملوك. (مصحح: محمد ابوالفضل ابراهیم). دار التراث.
٣٢. عبدرى، محمد بن محمد. (١٤١٩). رحلة العبدرى. (محقق: على ابراهیم کردی). دار سعد الدین للطباعة و النشر.
٣٣. عیاشی، عبدالله بن محمد. (٢٠٠٦). الرحلة العیاشیة. (مصحح: سعید الفاضلی). دار السویدى للنشر و التوزیع.
٣٤. فراهانى، محمد حسین. (١٣٨٩). سفرنامه مکه. نشر علم.
٣٥. کازرونى، ملا ابراهیم. (١٣٨٩). سفرنامه مکه. نشر علم.
٣٦. کرناکى، حافظ محمد عبدالحسین. (١٣٨٩). تذكرة الطریق. (رسول جعفریان). نشر علم.
٣٧. کشى، محمد بن عمر. (١٤٠٤). اختیار معرفة الرجال. (محمد باقر بن محمد میرداماد، مصحح،

مهدي رجائي، محقق). مؤسسة آل البيت للإحياء التراث.

٣٨. گليپايگاني، محمدرضا. (بي تا). مجمع المسائل (ج ١-٥). دار القرآن الكريم.

٣٩. مجلسي، محمداقربن محمدمتقي. (١٤٠٣). بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار. محقق: جمعي از محققان. دار إحياء التراث العربي.

٤٠. مركز بحوث و دراسات المدينة المنورة. (١٤٢٢). المدينة المنورة في الوثائق العثمانية.

٤١. مركز بحوث و دراسات المدينة المنورة. (١٤٣٤). المدينة المنورة في الوثائق العثمانية المحفوظه في فرع وزارة الشؤون الاسلاميه و الاوقاف و الدعوة و الارشاد با لمدينة المنورة.

٤٢. مصعب بن عبدالله. (١٩٩٩). كتاب نسب قريش. (مصصح: لوي، پرووانسال، اواريست). دار المعارف.

٤٣. مطري، جمال الدين محمد بن احمد. (١٤٢٦). التعريف بما انست الهجرة من معالم دار الهجرة. (مصصح: سليمان الرحيلي). دار الملك عبدالعزيز.

٤٤. مكارم شيرازي، ناصر. (بي تا). مناسك جامع حج (ج ١-١). مدرسة الإمام علي بن أبي طالب عليه السلام.

٤٥. نابلسي، عبدالغني. (١٩٩٨). الحقيقة و المجاز في رحلة بلاد الشام و مصر و الحجاز. (مصصح: رياض عبدالحميد مراد). دار المعرفة.

٤٦. ناصر خسرو. (بي تا). سفرنامه ناصر خسرو علوي. (مصصح: غني زاده سلماسي، محمود (ج ١)). كتابفروشي محمودي.

٤٧. نصر اصفهاني، اباذر. (١٤٠٢). مأخذ شناسي ببيع. پژوهشكده حج و زيارت.

٤٨. نوري، حسين بن محمد تقى. (بي تا). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل (ج ١-٣٠). مؤسسة آل البيت للإحياء التراث.

٤٩. واثقي، حسين. (١٤٣٤). المدنيات. دانش حوزه.



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی